

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

جولیتو کیزا
برگردان از: ا. م. شیری
۱۹ اگست ۲۰۱۹

سنگربندی دو جهان

(۴)

ادامه جنگ؟

تذکر مجدد مترجم:

برای درک باز هم روشنتر از ضرورت و اهمیت این مبحث تاریخ واقعی، که اساسا به بررسی بهره‌گیری ایالات متحده آمریکا و بطور کلی غرب از فاشیسم، نازیسم و فاشیست‌ها و نازی‌ها بر صد اتحاد شوروی و در مجموع، بر علیه کل بشریت می‌پردازد، مفید است علاقمندان فارسی -دری زبان حوادث آن دوره تاریخی را با چگونگی فرایند تصرف ارکان حاکمیتی کشورهای ما از صدر تا ذیل توسط نئولیبرال‌های تحصیل کرده، آموزش دیده، تربیت یافته غرب) منظور غرب ایدئولوژیک است نه جغرافیایی (و حتی وابستگان عقیدتی -نظری و سیاسی آن، که با اجرای برنامه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول میهن ما و خلقهای ما را بسوی فجایع بشدت هولناک سوق داده و می‌دهند، مقایسه نمایند. تاریخ معتمدترین آموزگار برای آیندگان است. - ا. م. شیری

جورج کننان، نویسنده "تلگرام طولانی" محرمانه به تاریخ ۲۳ فبروری سال ۱۹۴۶، پس از جنگ نه فقط به برکت آن، حتی در سایه یکی دیگر از اظهاراتش در تاریخ ماند. ۶ نومبر سال ۱۹۴۷، پس از ۲۰ ماه، دیگر نه در مقام سفیر در مسکو، بلکه به عنوان مقام برجسته وزارت خارجه در مطلب کوتاهی نوشت: "دولت اتحاد شوروی در آینده قابل پیش‌بینی، نه منتظر جنگ از طرف ما است و نه می‌خواهد". در اینجا می‌توان روی دو نکته تمرکز نمود: "نه می‌خواهد" و "نه منتظر جنگ از طرف ما است". اولی - بسیار واقع‌گرایانه است و دقیق. اتحاد شوروی با دادن ۲۰ میلیون نفر کشته اعم از نظامی و غیرنظامی، و با ویرانی‌های عظیم از جنگ بیرون آمد. اتحاد شوروی با همین سمتگیری سیاسی، همانطور که کننان تخمین می‌زد، برای بازسازی کشور به پنجاه سال وقت نیاز داشت. حزب کمونیست اتحاد شوروی بلافاصله پس از پایان عملیات جنگی تصمیم گرفت مؤسسات صنعتی را که از بیم تصرف یا تخریب آنها در زیر بمباران‌های نازیها به مناطق شرقی و شمالی بسیار دور از مسکو انتقال یافته بودند، از نو به جای اول آنها بازگرداند. سازمانهای اطلاعاتی آمریکا و انگلیس که این مقیاس عظیم بازگرداندن کامل کارخانجات صنعتی و پرسنل آنها را زیر نظر داشتند، براحتی می‌توانستند به اهمیت نظامی و سیاسی این تصمیم پی ببرند. کننان این را

می‌دانست و با صراحت گفت. اگر ستالین چنین تصمیماتی می‌گرفت، اهمیت آنها کاملاً واضح بود. او نگران تهاجمات دیگر نبود و نتیجه می‌گرفت، که تا مدت زیادی این اتفاق نخواهد افتاد. اضافه بر این، در مقابل اتحاد شوروی مسأله چگونگی "ادغام" و پیوند دادن صنعتی و سیاسی تمام ممالک تصرفی شرق اروپا با ساختار خود قرار داشت. نیازی به ترس از حمله اتحاد شوروی به اروپای غربی نبود.

استنتاج دوم (مسکو "نه منتظر جنگ از طرف ما است") می‌تواند دو مفهوم متضاد داشته باشد: حمله نخواهیم کرد - یا: اگر ما به آنها حمله کنیم، براحتی می‌توانیم پیروز شویم. قبل از این که غرب به تدارک چرخش بپردازد و توافق پوتسدام را لغو کند، راه حل نظامی بخوبی اندیشیده و آماده شده بود. نمی‌دانیم، که ستاد مرکزی ستالین در این رابطه چه کار یا چه فکری کرده بود. بصر فنظر از این که رئیس جمهور روسیه باریس یلتسین همه درها و پنجره‌ها را باز کرد، از آرشیو نظامی اتحاد شوروی اطلاعات بسیار کمی نشأت کرد. به طور کلی بعید نیست، که به دلیل تشدید رویارویی سیاسی - دیپلماتیک در ارتباط با آینده آلمان، در مسکو نیز برنامه‌های نظامی موازی تنظیم کرده باشند. اما اگر چنین برنامه‌هایی وجود هم داشته، آنها، در پاسخ به برنامه‌های تهاجم غرب بوده اند.

در باره این برنامه‌های غرب، اگر نه در مورد همه، اما شواهد بسیار وجود دارد. جنگ علیه اتحاد شوروی، می‌توان گفت، "از آن لحظه" تدارک دیده شده بود. این برنامه، "هلال ماه" (Halfmoon) نامیده می‌شد و نشان می‌داد که "در صورت وقوع جنگ در آینده نزدیک" کدام اقدامات جنگی برنامه‌ریزی شده است. در این طرح، زمان شروع جنگ ۲۱ جولای سال ۱۹۴۸ تعیین شده بود. آمریکا در آن هنگام انحصار اتمی داشت. بمبهای اتمی سه سال قبل، در تاریخ ۶ و ۹ اگست سال ۱۹۴۵ بر سر هیروشیما و ناگازاکی فروریخته بودند. ایالات متحد آمریکا برای پاک کردن همه مراکز اتحاد شوروی واقع در اروپا از روی زمین، به حد کافی بمب اتمی و تجهیزات پرتاب راکت برای بمباران هر نقطه مشخص در اختیار داشت.

نخستین آزمایش اتمی اتحاد شوروی برای ۲۹ اگست سال ۱۹۴۹ در سمپولایتینسک برنامه‌ریزی می‌شود. اما بر اساس ارزیابی برنامه هلال ماه، گذشته از برتری نظامی، "جنگ با اتحاد شوروی در سالهای نزدیک بنا به ماهیت و مدت زمان خود، یادآور جنگ جهانی دوم خواهد بود". در سند دیگری به تاریخ ۱۱ ماه مه سال ۱۹۴۹ بر اساس داده‌ها در خصوص توان نظامی اتحاد شوروی، عواقب ستراتیژیک بمباران هسته‌ای به ترتیب آتی برآورد شده بود: "۲ میلیون و ۷۰۰ هزار کشته، بیش از ۴۰۰ هزار زخمی، و ۲۸ میلیون نفر در ۷۰ شهر بی‌خانمان". فهرست شهرهایی که قرار بود مورد حمله اتمی قرار گیرند، تنظیم شده بود.

از اینجا چنین مستفاد می‌شود، که ایالات متحده دکترین اولین حمله هسته‌ای را توسعه داد و مؤثر تلقی کرد. اما در پروژه‌های دیگری، از جمله طرحی با عنوان "Off Tackle" (مهار کردن) مصوب ۲۶ مارچ سال ۱۹۴۹ تاریخ شروع جنگ را نیز "تخمیناً" برای "۱ جولای سال ۱۹۴۹" تعیین کرده بودند. با وجود این، در طرح دراپشوت برای بمباران یکصد شهر اتحاد شوروی، استفاده از ۳۰۰ بمب اتمی و ۲۹ هزار تن غیر اتمی پیش‌بینی شده بود.

برنامه این جنگ از منظر همه پیامدهای سیاسی که در نظر داشتند به آنها برسند، بسیار دقیق بود. اتحاد شوروی "رقیب ژئوپلیتیکی" شمرده می‌شد که لازم بود "به عنوان نظام سوسیالیستی" نابود شود. در زمان صلح "اشکال مختلف جنگ روانی" پیش‌بینی شده بود و در زمان جنگ، "تجهیز هر گونه تشکیلات غیرکمونستی با انواع تسلیحات و پشتیبانی از آنها ضروری قلمداد می‌شد تا بتوانند با راه انداختن جنگ‌های داخلی در روسیه، باندهای کمونستی را از میان بردارند". در طرح دراپشوت علاوه بر بمب هسته‌ای، از اقدامات دیگر و یکسری اهداف سیاسی نام برده شده بود. اول - محروم کردن ساختار مدیریت فعلی از حمایت خلقهای روسیه و اقرار آن مورد تأکید قرار گرفته بود. و مردم روس را به

"نابود کردن دفتر سیاسی و یکسری موارد ممکن" متقاعد کنند. گفته می‌شد که "نوع مناسبات بین کرملین و خلقها جایگاه ضعیفی را در نزد کرملین احراز می‌کند". بر این اساس، یک هدف دیگر اضافه شد - برای اینکه "خیانت مردم شوروی به بالاترین مرحله برسد"، "در مهمترین کشورهای تحت‌الحمايه باید تظاهرات و قیام سازمان داد، باید تلاش کرد"...

نورنبرگ و "نازی‌زدانی" در المان

از نظر ما برای بررسی چگونگی برخورد پیروزمندان نه تنها با کشور، حتی با رژیم مغلوب یک گام بازگشت به عقب اجتناب‌ناپذیر است. بیانیۀ مسکو در ماه اکتوبر سال ۱۹۴۳، توافقنامۀ امضاءشده توسط روزولت، ستالین و چرچیل معیارهای اصلی حل مسأله را معین کرده بود. ایده مجازات عمومی مقصران را که روزنامه‌نگاران و رهبران سیاسی غرب نیز جزو آنها بودند، رد کردند و تصمیم گرفتند، که فقط یک حکم قطعی و آئین دادرسی قانونی می‌تواند مرز حقوقی و اخلاقی آینده‌ای را ترسیم نماید، که نه تنها و نه آنقدر جنگ غیرقانونی است، حتی استفاده غیرقانونی از آن برای نقض معیارهای اخلاقی در رابطه جمعیت غیرنظامی و تجاوز به حق زندگی هر انسان و کرامت انسانی بیشتر از آن غیرقانونی محسوب می‌شود. تصمیم گرفته شده بود، رهبران اصلی حزب نازی را متفقین زمانی به طور مشترک محاکمه کنند، که تمامی همدستان غیر المانی آنها به زور به کشور زادگاه خود بازگردانده شوند و در آنجا مطابق آن قانونی دادگاهی شوند که تا لحظۀ امضای آتش‌بس معتبر بوده است. شش ماه و نیم پس از تسلیم المان، ۲۰ سپتمبر سال ۱۹۴۵، در نورنبرگ محاکمۀ مقامات بلندپایه زنده مانده المان شروع شد. قضات دادگاه نظامی بین‌المللی را ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، فرانسه و اتحاد شوروی به تعداد مساوی تعیین کردند. هر یک از چهار کشور پیروز، قاضی و گروه دادستانی را معرفی نمودند، که می‌بایست اعلام اتهام کنند. تعیین معیارهای حقوقی که لازم بود در روند دادرسی اعمال شود، ضروری بود - این، کار ساده‌ای نبود. زیرا، معیارهای موجود در چهار کشور پیروز، بر هم انطباق نداشتند. خود انتخاب متهم اصلی بدون بحث و بی‌مشکل ممکن نشد. در نهایت در مورد ۲۴ متهم، که در واقعیت امر، همه آنها پاسخگوی اعمال گروه رهبری نازیها در عرصه‌های نظامی، سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک بودند، توافق حاصل شد. سه تن از این متهمان، البته اصلی، برای این که در آستانه پایان جنگ خودکشی کردند، نتوانستند در صندلی متهم بنشینند: آدولف هیتلر، هنریش هیملر و جوزف گوبلز. قرار بود گوستاو کروپ، صاحب صنایع بزرگ، پایه اصلی نظامی کردن المان هم جزو محاکمه شوندگان باشد. کروپ، اگر چه نام او را به کیفرخواست اولیه افزوده بودند، دادگاهی نشد. در جریان دادرسی مقدماتی طی توافق کلی تصمیم گرفتند، که سن و سلامتی ضعیف او، دلیل کافی برای حذف وی از ردیف متهمان می‌باشد. در نهایت، ۲۱ نفر دادگاهی شد. مارتین بورمان، منشی شخصی هیتلر، دستگیر نشد. او را غیابی محاکمه کردند. رابرت لی، یکی از ۱۸ رهبر رایش، به عنوان رئیس "جبهه کارگران المان (Deutsche Arbeitsfront)"، در آستانه دادرسی خودکشی کرد.

آنها را به جنایت علیه صلح، جنایات جنگی، دسایس و جنایت علیه بشریت متهم نمودند. آخری‌ها شامل قتل، کشتار، تبعید، تعقیب و آزار نژادی، تعلق سیاسی و دینی بودند. دادگاه قرار داد صادر کرد، مبنی بر اینکه هر تصمیمی پذیرفته (مصوب) تلقی شود، باید رصایت سه نفر از چهار قاضی را حاصل نماید. در نتیجه همه سران سازمان نازی محاکمه شدند: صدراعظم رایش، واحدهای ویژه نظامی مانند اس‌اس‌ها، سازمان امنیت، گشتاپو (پلیس مخفی)، قطعات ضربتی و فرماندهی کل نیروهای مسلح المان. صدور حکم مقدماتی و مهمترین روند دادرسی در نورنبرگ به اول اکتوبر سال ۱۹۴۶ موکول گردید. دوازده نفر از متهمان به اعدام محکوم شدند. جسد اعدام شدگان را در اردوگاه داخائو سوزاندند و

خاکستر آنها به رود ایسار پاشیدند. سه نفر از متهمان به حبس ابد و سایر متهمان به مجازاتهای سبکتر محکوم گردیدند. سه نفر آزاد شدند.

۲۴ متهم اصلی به مثابه اخطار و نماد انتخاب گردیدند. محاکمه رهبران، در تاریخ، در کتابهای درسی، در خاطره آن نسلها باقی مانده است. در پی آن، فرایندهای دادرسی زیادی صورت گرفت که طی آنها افسران و مقامات سطوح پائینتر محاکمه شدند. هاری ترومن دادستان اصلی امریکا را منصوب کرد. او پرونده ۱۸۳ متهم المانی را در ۱۲ فرایند دادرسی مورد تحقیق قرار داد، در سالهای پس از جنگ در مناطق تحت نظارت اتحاد شوروی صدها فرایند دادرسی یکی بعد از دیگری تشکیل گردید. سایر محاکمات در ایتالیا، اتریش و فرانسه انجام گرفت. اما تاریخ "نازی‌زدائی" در المان آنگونه که در دادگاه نورنبرگ گفته می‌شود، روشن نیست.

لازم به یادآوری است، که ۱۰ اکتوبر سال ۱۹۴۵ کمیسیون مجلس سنای امریکا به ریاست سناتور کلیگور نتیجه تحقیقات در مورد مسؤولیت صنعتگران المانی "شریک جرم قطعی نازیها در ارتکاب جنایت" را منتشر نمود، که در آن از ۴۲ متهم، از جمله، از کروپ، استینس، کلیک، یتنس، زمینس، پفردمنگس و دیگران نام برده شده بود. ۲۳ مارچ همان سال، هشت ماه قبل از محاکمه "اصلی"، جنرال مارشال دستور بازداشت ۱۸۰۰ تن از صاحبان صنایع را صادر کرد. این که اگر ایده پاکسازی کشور سطحی باشد، ایجاد یک کشور دموکراتیک امکان‌پذیر نیست، در اذهان و قلوب، هم در غرب و هم در اتحاد شوروی بسیار نیرومند بود. اما یادآوری تاریخ "تلگرام طولانی" جورج کننان) ۲۳ فبروری سال ۱۹۴۶ (و سخنرانی چرچیل در فولتون) ۵ مارچ سال ۱۹۴۶ (برای درک چرایی آزادی ۲۷ نفر از ۴۲ نفر صاحبان صنایع به عنوان بی‌گناه در ۲۹ نومبر سال ۱۹۴۶ کافی بنظر می‌رسد.

کشورهای غرب انتصاب سران سابق نازی را به پستهای مدنی و اداری در تمام سطوح آغاز کردند. با خویشتنداری تشکیل دسته‌های مسلح نئونازی را تحمل کردند. "نازی‌زدائی" زمانی که دادگاه نورنبرگ آغاز شد، حمایت خود را از دست داد. در مقابل "غیرنظامی کردن" نیز همین رویکرد انتخاب گردید. کار تشکیل ناتو سرعت پیش رفت. در اواخر سال ۱۹۴۹ جنرال کلی رسماً از لزوم تشکیل ارتش اروپای غربی و الحاق قطعات المان به آن حمایت کرد. ۲۵ ماه مه سال ۱۹۵۰ وزرای امور خارجی کشورهای غربی در لندن اجتماع نمودند و تصمیم گرفتند، که "المان باید از زیر هر گونه کنترل خارج شود". در این مسیر جدید که صحبت از نازی‌زدائی بیجا بود، تشکیل نیروهای مسلح جمهوری فدرال المان انجام گرفت. ماده ۵ توافقنامه پوتسدام به فراموشی سپرده شد: "جنایتکاران جنگی و کسانی که در طراحی یا انجام فعالیتهای منتج به توحش یا جنایت جنگی نازی‌ها مشارکت داشته‌اند، باید دستگیر و به دست دادگاه سپرده شوند. رهبران نازیها، حامیان متنفذ آنها و هیأت رهبری مؤسسه، سازمان و هر شخص دیگری که برای اشغال و اهداف آن خطرناک بودند، باید دستگیر و تحت نظر گرفته شوند".

برای مقایسه با اهداف تعیین شده فوق، در اینجا یادآوری چند واقعیت لازم است: آدولف هایزینگر، فرمانده لشکر، بارزس کل و رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح المان، سریعاً به فرماندهی کمیته نظامی ناتو که تا سال ۱۹۴۶ عالی‌ترین ارگان رهبری این ساختار بود، منصوب گردید. لازم به ذکر است، نام او در لیست جنایتکاران جنگی قید شده بود - در آن لیست از او بعنوان رئیس سابق ستاد مرکزی هیتلر نام برده شده بود. و کل لیست بسیار قابل تأمل است. یک نمونه دیگر: فریدریش روگه، دریاسالار دوم، دارنده نشان صلیب به فرمان هیتلر، همکار کسلرینگ - جنایتکار جنگی ایتالیا - او نیز موقعیت ممتازی در اتحادیه آتلانتیک کسب کرد. همچنین هانس اشپايدل، سازمانگر اصلی تهاجم نازی به فرانسه و سپس، رئیس ستاد مرکزی هیتلری، به فرماندهی نیروهای زمینی ناتو در اروپای مرکزی منصوب گردید. جوزف کامهوبر که تا فرماندهی لشکر ارتقاء یافت، بارزس کل نیروهای هوایی جنگنده المان، پس از آنکه به حیوان

خانگی گورینگ بدل شد و شهر فریبورگ المان را به منظور ایجاد بهانه برای تروریسم هوایی علیه جمعیت غیرنظامی فرانسه در ۱۰ ماه مه سال ۱۹۴۰ بمباران کرد. به این ترتیب، برای درک چگونگی وقوع چرخش سیاسی و اخلاقی در این سالهای پس از جنگ، کافی است علاوه بر موارد مختصر فوق، به خاطر بسپاریم: در سال ۱۹۵۷، شمار جنرالهای هیتلری که در ارتش المان فدرال پستهائی را در اختیار داشتند، ۳۸ نفر بود؛ تعداد آنها در سال ۱۹۶۰ به ۱۶۰ نفر رسید.

این روند زمانی که نخستین دولت جمهوری المان فدرال به ریاست کنراد آدنauer تشکیل گردید، آشکارتر شد. در اینجا یادآوری ماده ۶ توافقنامه پوتسدام لازم به نظر می‌رسد: "کلیه اعضای حزب نازی که بیش از شرکت‌کنندگان اسمی در فعالیت‌های آن سهمیم بودند، تمامی افراد متخاصم با اهداف اتحاد، باید از پستهای اجتماعی یا نیمه‌اجتماعی و از پستهای مسوول در مؤسسات مهم خصوصی برکنار شوند. جای چنین افرادی را باید کسانی بگیرند، که قادرند به توسعه مؤسسات واقعاً دموکراتیک المان کمک کنند". اما در اواسط سال ۱۹۶۱، ۱۳ نفر از ۱۸ وزیر، اعضای انجمن سهامداران صنایع سنگین در رژیم هیتلر بودند و ۹ نفر از آنها با رژیم همکاری می‌کردند یا در احزاب ناسیونال - سوسیالیست، اس‌اس، در ساختار دولتی نازی‌ها پستهایی را در اختیار داشتند.

برای درک روشنتر از رویدادهای اتفاق افتاده، یادآوری چند نمونه لازم است. لودویگ ارهارد، معاون صدراعظم و وزیر اقتصاد جمهوری فدرال المان، رئیس دانشکده مطالعات صنعتی نازی بود. فرانتس جوزف اشتراوس، وزیر دفاع در دولت آدنauer افسر مدرس و رماخت (ارتش المان - مترجم) بود. هانس کریستوفر زیبوم، وزیر حمل و نقل، فرمانده اس‌اس بود. تئودور اوبرلندر، وزیر در امور پناهندگی، رهبر ارتش آزاد بدنام و صدر اتحادیه فاشیستی "المان شرقی" بود. هانس یواخیم فون مرکاتس، وزیر دادگستری، فعالیت ویژه خود را از خدمت در گشتاپو - سازمان امنیت هیتلر آغاز کرد.

جا دارد یادی هم از حوادث مشهود بکنیم. ۲۲ اکتوبر ۱۹۵۲، صدراعظم آدنauer در پاسخ به درخواست ارلر نماینده حزب سوسیال - دموکرات که اعلام کرده بود در دولت بن تعداد زیادی نازی وجود دارد، اظهار داشت: "جناب ارلر بدرستی ادعا می‌کند، که هر چه بیشتر از پله‌های نردبان پسته‌های دولتی بالا می‌رویم، همان قدر بیشتر نازی‌ها را می‌بینیم. این درست است، که در میان فعالان نامبرده از سوی جناب ارلر، از پست مشاور گرفته تا بالا، در حدود ۶۶٪ آنها را نازیها در اختیار دارند. اما من فکر می‌کنم، که باید این مسأله را از زاویه بی‌طرفانه نگاه کنیم و می‌توان گفت، طور دیگر ممکن نبود. بازسازی، مثلاً، وزارت خارجه ما، در صورت عدم بازگشت افراد دارای تجربه مشخص در این عرصه به پسته‌های بالا، اساساً امکان‌پذیر نبود. من اعتقاد دارم، که ما باید از درخواست حذف این نازیها دست برداریم".

ادامه دارد...

۲۷ مرداد - اسد ۱۳۹۸

www.sovross.ru/articles/1853/44418